

بساط بازار پول را جمع کنید!

((«طمع»، موتور محرک نفس انسان برای توسعه دنیوی و تک‌بعدی در مال و معاش اوست. طمع، ربا را بسط می‌دهد و ربا، طمع را))

اگر طمع از درون، انسان را به حرص فرانخواند، شیطان با ابزار ربا از بیرون هیچ نمی‌تواند بکند. ربا جنگ با خداست. در جنگ با خدا، طمع و ربا ابزار شیطان برای آلوده کردن سفره‌ها و لقمه‌های مردم به حرام است. و از آن بدتر، تبلیغ طمع و رباست. و باز هم از آن بدتر، کار فرهنگی انجام دادن در جمهوری اسلامی با تبلیغ طمع و رباست! این، تضادی ساخت‌یافته در ساز و کار نظام فرهنگی و رسانه‌ای ایران شده است. آنچه از شقوق لیبرالیسم در نسوج جامعه رسوخ کرده و هم‌چنان چموشی می‌کند و چونان درنده‌ای گرگ‌صفت، جان‌های انسان‌ها و ایمان ایشان را می‌درد، «لیبرالیسم اقتصادی و مالی» است. جنگ امروز، جنگ اقتصادی است؛ جنگ معاش است. تروریسم، در گسترده‌ترین شکل ممکن، در قالب تروریسم اقتصادی و تروریسم مالی ظهور پیدا کرده است. شیطان، تمام‌قد در جنگ علیه خدا به میدان آمده و کجایند مردان الهی که بر عهد و میثاق الهی خود مسئول بوده و وعده‌ی الهی را تصدیق کنند و از درندگی شیاطین نترسند که «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران، ۱۷۳) و با گام‌های استوار خود، پیکر پوسیده‌ی لیبرالیسم اقتصادی و مالی را لگدمال کنند که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (الاحزاب، ۷۰).

اعضای این جنبش در چهارچوب امر به معروف و نهی از منکر، دانشجویان و اساتید را به تقوای الهی توصیه کرده و تبری ایشان از این ساختار بیمار اقتصادی را طلب می‌کنند. فرض این جنبش بر متدین بودن و معتقد بودن دانشجویان و اساتید محترم نظام به ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی است. بر همین اساس، از هرگونه تلاش ایشان برای زدودن ربا، و بساط طماعی شیاطین، و بسط و تعمیق اقتصاد اسلامی حمایت می‌کند. **این تجمع، خواستار قطع تمام تبلیغات بانکی و غیربانکی (نظیر تبلیغات سخیف چهارشنبه پولی و میلیونر شو...)** که مروج طمع و پول‌محوری در زندگی مردم هستند، است. اعضای این جنبش، همه را به بهره‌گیری از هر میزان دانش تولید شده در چهارچوب اقتصاد اسلامی توصیه می‌کند، و هر گونه اهمال در این امر را بازی در زمین دشمن دانسته و مقوم حرکت شیطان در اغوای انسان‌ها.

بازار سرمایه‌ی
کاذب

بازار طلا و فلزات گران‌بها

بازار پول و ارز (صنعت بانک - صنعت بیمه - صنعت بورس)

• **حجت‌الاسلام ماندگاری:** صدا و سیما، تبلیغ برای بانک‌ها را قطع کند.

• **آیت‌الله جوادی آملی** تصریح کرد: ما خودمان را فریب ندهیم؛ ما مثل کسی که قلبش ۸۰ درصد از کار افتاده و با ۲۰ درصد کار می‌کند هستیم. تعارف هم نکنیم، با ۲۰ درصد زنده ایم و ۸۰ درصد با ربا به سر می‌برند. این مرجع تقلید با ابراز تاسف از اختلاس ۳ هزار میلیارد تومان و اختلاس دیگر در مورد بیمه اظهار داشت: **این کشور به زحمت و با دعای امام زمان(عج) زنده است.**

• به چه دلیل مرجع عالیقدر جهان تشیع در دیدار با رییس مجلس اذعان می‌دارد، ۸۰ درصد اقتصاد کشور است؟!؟

• **آیت‌الله حائری شیرازی: امام(ره) می‌فرمود پول نباید کار کند،** انسان باید کار کند. حالا به من بگویید کدام مؤسسه مالی است که پولش کار نمی‌کند؟ سیستم اقتصادی ما در حال حاضر هیچ تفاوتی با سیستم سرمایه‌داری نمی‌کند.

• **چرا ما با رشد ۱۳۰ درصدی شاخص بورس، رشد اقتصادی ۸/۵- را تجربه کردیم!؟**

اقتصاد پول مبنا، بلای جان بشریت:

انسان نیازهایی دارد و برای هر نیاز او بازاری وجود دارد. پول، نیاز است و به خودی خود فاقد ارزش است. پول نباید بازار سرمایه باشد. بانک، بورس و بیمه نباید خودشان بازار باشند، چون نیازی را پاسخ نمی‌دهند. نیاز اصلی در ملک، سلامت، تربیت، معرفت، اطلاعات، بهجت، فرهنگ، هنر، صنعت، حمل و نقل، خدمات، دیپلماسی، تصمیم، سیاست و کار است. نیازها بازار سرمایه ایجاد می‌کنند و هرکس می‌تواند به یکی از این نیازها پاسخ دهد و یک بازار در این چارچوب ایجاد کند و سرمایه خود را به آن بازار آورد. **مشکل اقتصاد امروز این است که پول تبدیل به سرمایه شده است. پول نباید بازار سرمایه باشد، چون پاسخگوی هیچ نیازی نیست.**

پول باید محرک بازار سرمایه باشد نه ستون آن!!!

بازار سرمایه کاذب به ما می‌گوید بازار طلا و فلزات گران‌بها، پول و ارز «صنعت بیمه، صنعت بانک، و صنعت بورس» مبنای کار است. حرف ما این است که پول باید محرک بازار سرمایه در هر کدام از این بازارها و معیار باشد نه این که یک ستون در کنار ستون‌های دیگر باشد که اگر به عنوان یک ستون در کنار یکی از بازارها قرار بگیرد، رقیب آن می‌شود و دیکتاتوری پول به وجود می‌آید. هر کدام از این بازارها در جای خودشان هستند و یک سرمایه محسوب می‌شوند که یک محرک، و مهم‌تر از آن یک معیار می‌خواهند، مانند متر که معیار اندازه‌گیری قد است. در بازار سرمایه هم یک معیار می‌خواهیم که آن معیار، پول است و پول نه در موازات بلکه در عرض همه این‌ها قرار دارد. با این تعریف اگر شخصی یک میلیارد پول در بازار سرمایه مادی خود داشته باشد و آن را تا سال بعد راکد بگذارد پول او پانصد میلیون تومان می‌شود یعنی ارزش آن نصف می‌شود. می‌دانید چرا این حرف در جامعه ما غیر منطقی است؟ به این دلیل که پول هم مانند خانه، غذا، سلامت، تربیت و غیره ذلک شده است، چون وقتی که این موارد، کوتاه، بلند یا کم و زیاد می‌شود؛ متر کم و زیاد نمی‌شود. چطور در اقتصاد نمی‌شود یک معیار ثابت تعریف کرد؟ شما بازارهای گوناگون دارید که نوسان دارند، مثلاً یک بار زمین گران می‌شود و یک بار غذا، یک بار دیگر سلامت یا معرفت و بار دیگر ارزان می‌شوند. این گران و ارزان شدن بازارها باید یک معیار داشته باشد که آن معیار همان پول است. و ارزش معیار نباید تغییر کند. اما وقتی خود پول نوسان دارد، ارزش آن امسال هزار تومان و سال بعد پانصد تومان می‌شود. شاید بتوان گفت که الآن پول در بازار سرمایه دو نقش دارد:

۱- محرک است، به معنای اینکه هر جا که نقصان داشتیم این انرژی به سمت آنجا می‌رود و هزینه می‌شود. ۲- معیار است، مثل سانتی‌متر و کیلوگرم که لایتغیر است و این بازارهای ریز و درشت با آن سنجیده می‌شود.

بازار پول!!!

مثلا شما ده میلیون تومان دارید و با آن دلار و ارز به قیمت ۱۳۵۰ تومان می خرید، یک هفته بعد دلار گران می شود و به ۱۴۰۰ تومان می رسد، یعنی شما در عرض یک هفته روی هر یک دلار پنجاه تومان سود می کنید و آن را می فروشید. این همان اتفاقی است که در بازار پول می افتد یعنی پولی که داشتید را، پول خریدید و پول فروختید و در یک کلام، خرید و فروش پول صورت می گیرد و پول، کار می کند. الان اقتصاد جهان عموماً و اقتصاد جمهوری اسلامی خصوصاً دچار خود ارضایی شده و ریشه آن هم در این است که پول با خودش بازی می کند. چرا پول باید خرید و فروش شود؟

خرید و فروش پول سبب می شود جامعه تولیدکننده و مولد نباشد!!

اشکال اول اینکه ربا و جنگ با خداست و اشکال دوم اینکه وقتی پول خرید و فروش شود و فقط خودش ارزش داشته باشد و به جای انسان کار کند، هیچ کالایی تولید نمی شود و تمام آن یک هفته ای که فرد ده میلیون تومان خود را دلار خریده، تا هفته بعد از آب، برق، گاز، مسکن، حمل و نقل، بهداشت و درمان و امنیت استفاده می کند و فقط پول روی پول می آورد و قمار می کند، بدون آن که تولیدکننده و مولد باشد. ممکن است شما بگویید این ده میلیون تومان و دلارها در بانک جمع می شود و کارخانه ها با آن کار می کنند. خب، چرا لقمه را دور سر خودتان می چرخانید. پول را از بازار سرمایه حذف کنید تا رقیب بقیه نباشد؛ چون وقتی رقیب بود اول داخل خودش می چرخد. پول وقتی وارد بانک شد؛ بانک، اولین وام را به کارخانه می دهد. دومین کاری که می کند زیبا کردن ساختمان های خود است و مدام به خودش می رسد و پولی که از دست شما می گیرد سود آن را بیرون نمی دهد اول خودش خرج می کند و اگر ته آن چیزی ماند به بقیه جامعه هم می رسد.

سخن آخر: جالب است که پدیده هایی که اساسشان ربا و قمار است را در کشور مثبت میدانیم و فقهی کرده ایم: **بانک فقهی! بورس فقهی!**... چطور میتوان ربا و قمار را اسلامی کرد!! پس باید بساط نهاد های **بورس (قمار سازمان یافته) و بانک (ربای سازمان یافته)** را از این جامعه جمع کرد و اجازه نداد این نهاد ها در جمهوری اسلامی توسط کسی تبلیغ شود (**حتی توسط رسانه ملی**). چرا که یکی از اولین گام های رسیدن به **اقتصاد مقاومتی**، مبارزه با این دو نهاد لیبرالی است. **به امید تحقق اقتصاد مقاومتی...**
ما تا آخر ایستاده ایم.
"ان شاءالله"

والسلام علی من اتبع الهدی

جنبش

شورش
علیه
طمع



LOADING
PLEASE WAIT...

اقتصاد پول مبنا در حال نابودیست
منتظر باشید ...

تنها راه کار جلوگیری از نابودی، جایگزینی اقتصاد برکت محور اسلامی



KILL THE BANKS

#OCCUPYWALLSTREET
SEPTEMBER 17TH, 2011 - UNTIL WE ARE HEARD.